

The Study of the Examples of the Word "Zaqqum" in the Quran with Emphasis on Interpretative and Botanical Resources

Maryam Rafiei¹, Amir Ahmadnezhad *², Mohsen Sanadani³

¹ Ph.D. Student of Quran and Hadith, University of Isfahan, Isfahan, Iran

² Assistan professor, Department of Quran and Hadith, University of Isfahan, Isfahan, Iran

³ Assistan professor, Department of Quran and Hadith, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract

According to the Quran, one of the punishments which has been prepared for the damned is eating a plant called "Zaqqum". The characteristics of this plant are burning and thirsting in the body of the sinners, and its similarity to the "head of the devils" causes fear, horror and annoyance. There is a controversy in the material existence of such a plant. Some consider "Zaqqum" as a famous herb to the Arab, while others regard it as unique to the others. The study of the word "devil" indicates that the Arab used the term "devil" as "serpent", and the likeness of the "Zaqqum" to the "head of the devils" could be due to the similarity of the head of the snakes with the fruit of this plant, which carries a bitter toxic. Not only does this poison create thirst and burn, but it can also lead to death. Although the interpretive sources have not raised a serious argument about the material existence of this plant, but due to some geographical and botanical resources, a group of plants called "Euphorbia", which grows in Saudi Arabia, have the highest conformity with the Koranic descriptions of this plant.

Keywords: Zaqqum, Koranic Plants, Quran, Hell, Interpretation.

.. ..
*Corresponding Author

مصدق‌یابی واژه «زقوم» در قرآن با تأکید بر منابع تفسیری و گیاه‌شناسی

مریم رفیعی^۱، امیر احمدنژاد^{۲*}، محسن صمدانیان^۳

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

mra1357@yahoo.com

۲- استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

ahmadnezhad@ltr.ui.ac.ir

۳- استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

m.samadianian@ltr.ui.ac.ir

چکیده

طبق آیات مبارکه قرآن، یکی از مجازات‌های در نظر گرفته شده برای دوزخیان، تناول از گیاهی با نام «زقوم» است. از ویژگی‌های این گیاه، ایجاد حرارت و عطش در بدن گنهکاران است و تشبیه ثمره آن به «سر شیاطین»، ترس، وحشت و آزارندگی را تداعی می‌کند. در وجود مادی چنین گیاهی اختلاف نظر وجود دارد. برخی «زقوم» را گیاهی معروف نزد عرب دانسته‌اند و برخی دیگر آن را مختص به جهان دیگر می‌دانند. بررسی واژه «شیطان» نشان می‌دهد اعراب جاهلی، «شیطان» را به «مار» نیز اطلاق می‌کرده‌اند و تشبیه ثمره گیاه «زقوم» به «سر شیاطین» به دلیل شباهت سر ماران با ثمره این گیاه است که از ویژگی‌های آن، حمل سمی تلخ است. این سم نه تنها ایجاد عطش و سوختگی می‌کند، تا حد مرگ نیز انسان را پیش می‌برد. هرچند منابع تفسیری بحثی جدی در زمینه وجود مادی این گیاه مطرح نکرده‌اند، با توجه به منابع جغرافیایی، گیاه‌شناسی و طبی و همچنین ویژگی‌های این گیاه و واژه‌های به‌کاررفته در رابطه با آن در قرآن، گیاهی با نام «خرمای صحرا» یا «بلح الصحراء»، بیشترین مطابقت را با «زقوم» قرآن دارد.

واژه‌های کلیدی: زقوم، گیاهان قرآنی، قرآن، جهنم، تفسیر.

طرح مسئله

که برخی میوه‌دار، برخی دارای گل‌های خوشبو و برخی دارای برگ‌ها و ریشه‌های مغذی‌اند. از میان این

در قرآن کریم نام گیاهان متعددی ذکر شده است

گیاهان که عموماً در دسترس همگان و شناخته شده‌اند، برخی ارزش غذایی داشته‌اند و برخی نیز خواص دارویی دارند. خداوند در برخی آیات، به جز گیاهان دنیوی، از گیاهان اخروی نیز یاد کرده است؛ برای مثال «سدر» و «طلح» گیاهان بهشتی و «زقوم» گیاهی جهنمی یاد شده‌اند.

گیاه «زقوم» در سه سوره از سوره مبارکه قرآن ذکر شده که به ترتیب نزول - طبق همه فهرست‌های مشهور ترتیب نزول - ابتدا در سوره واقعه و سپس در سوره صافات و دخان آمده است. یکی از مجازات‌های گنهکاران، خوردن از این گیاه است که از ویژگی‌های آن سوزاندگی و ایجاد عطش است «کالمهل یغلی فی البطون * کغلی الحمیم» (دخان: ۴۵-۴۶) «چون مس گداخته در شکم‌ها می‌گدازد * همانند جوشش آب جوشان».

در روایات آمده است «ولو أن قطرة من الزقوم قطرت لأمرت علی أهل الأرض عیشهم فکیف من لیس لهم طعام إلا الزقوم» (شیبانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۲۲۰) «اگر قطره ای زقوم بر زمین بچکد زندگی بر اهل دنیا تلخ شود، پس چگونه باشد حال آنکس که جز زقوم طعامی ندارد» یا «لو أن قطرة من الزقوم قطرت فی بحار الأرض لأفسدت (لأمرت) علی أهل الأرض معایشهم فکیف بمن یكون طعامه» (مبارکفوری، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۶۰) «اگر قطره ای زقوم بر دریاهاى زمین بچکد زندگانی اهل دنیا فاسد (تلخ) شود، پس چگونه باشد حال آنکس که زقوم طعام اوست».

«زقوم» نامی است که اهل دنیا بر هر چیز ناخوشایند و نامطبوع می‌نهند؛ برای مثال، چشمه آبی شور و تلخ، «زقوم» (سلطان، ۱۳۶۴ش، ص ۲۰۵) یا گیاه همیشه سبز سمی که حتی دود شاخه‌های آن

سمی است، «زقوم» نام دارد (Dilmen, 2013). در میان کتب مقدس، قرآن کریم تنها کتابی است که نام گیاه «زقوم» را مطرح کرده است (Musselman, 2003, pp.47-52)؛ ولی تفاسیر موجود از این کتاب الهی هیچ‌کدام تصویر روشنی از این گیاه ارائه نکرده‌اند و مفسران بر چیستی آن اختلاف نظر دارند.

مدنظر قرار دادن این نکته که بهره‌گیری از مثال‌های ملموس و محسوس از عالم طبیعت، دأب قرآن کریم در بیان نعمت‌ها و نعمت‌های اخروی است، ما را با سؤالاتی مواجه خواهد ساخت: آیا چنین گیاهی وجود مادی دارد؟ چه ویژگی‌هایی سبب شده است این گیاه، گیاهی جهنمی قلمداد شود؟ آیا در عصر نزول چنین گیاهی وجود داشته است؟ در صورت وجود چنین گیاهی، عرب عصر نزول تا چه اندازه با آن آشنا بوده است؟ آیا امروزه نیز نمونه‌ای از این گیاه یافت می‌شود؟

با توجه به اینکه تا کنون پژوهشی در رابطه با گیاه «زقوم» صورت نگرفته، در این نوشتار تلاش شده است علاوه بر مراجعه به منابع لغوی و تفسیری، منابع گیاه‌شناسی و همچنین مصداقی متناسب با توصیفات قرآن از ویژگی‌های این گیاه یافت شود.

۱- «زقوم» در لغت

«زقوم» از «زقم» بر نوعی خوراکی دلالت کرده (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۳، ص ۱۶) و فعل «زقم» به معنای خوردن «زقوم» است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۹۴؛ صاحب بن عباد، بی‌تا، ص ۴۵۳). برخی «زقم» را نوشیدن شیر و زیاده‌روی در آن (ابن درید،

است: «مزق»: پاره کردن، «زmq»: کندن و «قزم»: پستی و زبونی» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۹، ص ۱۴۱). بیشتر مفسران در توضیح واژه «زقوم» به ماجرای ابوجهل اشاره کرده‌اند که پس از نزول آیات مشتمل بر گیاه «زقوم» اظهار بی‌اطلاعی از چنین درختی می‌کند و وقتی مردی اهل آفریقا «زقوم» را کره و خرما معنا می‌کند، ابوجهل آن را دستاویز قرار می‌دهد و به کنیزش دستور می‌دهد برای آنها کره و خرما بیاورد تا از «زقوم» بخورند (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۱۰۶؛ قرطبی، ۳۶۴ش، ج ۱۱، ص ۲۸۳). دیگر کفار قریش نیز این آیات را به سخره می‌گرفته و می‌گفتند «چطور در آتش جهنم که سنگ را می‌سوزاند، می‌تواند درختی بروید که آتش آن را نسوزاند» (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱، صص ۵۲-۵۳).

درباره وجود مادی درخت «زقوم» بین مفسران اختلاف است. دسته‌ای بر این باورند که درخت «زقوم» در دنیا وجود دارد. این مفسران یا «زقوم» را نام گیاهی دانسته‌اند که برگ‌های تلخ و بدبو دارد و با کندن آنها شیره‌ای سمی بیرون می‌آید و ایجاد تورم می‌کند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲، ص ۹۲؛ ابن عاشور، ۱۹۸۴ق، ج ۲۳، صص ۱۲۲-۱۲۳) یا پلیدترین درخت بادیه از نظر تلخی، بدبویی و زشتی منظر است (شربینی، ۱۲۸۵ق، ج ۴، ص ۱۹۰؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۱۲۴). این دسته از مفسران نام‌های دیگری همچون «أستن» یا «رأس الشیطان»، «صرم» و «صوم» برای «زقوم» ذکر کرده‌اند و شواهدی شعری نیز برای آنها آورده‌اند (قنوجی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۹۳؛ درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۲۸۲؛ نعمانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۳۱۴).

تحید عن أستن سود أسافلها مثل الإماء اللواتی

۱۹۸۷م، ج ۲، ص ۸۲۳)، برخی به شدت بلعیدن و بیش از حد نوشیدن (ابن اثیر، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۳۰۶؛ زمخشری، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۱۷) و برخی دیگر آن را فروبردن لقمه با کراحت و مشقت می‌دانند (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۴، ص ۳۳۲).

لغویان «زقوم» را یکی از این سه چیز می‌دانند:

۱- نام گیاهی است (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۶، ص ۷۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۶۹).

۲- نام غذایی است که در آن کره و خرماست

(جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۹۴۲).

۳- هرگونه خوراکی کشنده است (ابن منظور،

۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۶۹).

از میان اهل لغت، ابن منظور به نقل از ابوحنیفه، «زقوم» را گیاهی تیره‌رنگ با برگ‌های کوچک دایره‌ای شکل دانسته (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۶۹) و مصطفوی نیز به نقل از کتابی با نام *إحیاء التذکره*^۱ آن را گیاهی شبیه درخت انار با برگ‌های پهن‌تر و شکوفه‌های مایل به رنگ سبز و سفید همانند گل یاس توصیف می‌کند که میوه‌ای همچون «أهلج»^۲ داشته و برگ‌های آن برای بهبود جراحات به کار رفته و رویشگاه آن سرزمین قدس و حجاز است (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۴، ص ۳۳۲). دیگر لغویان شرحی درباره جزئیات این گیاه مطرح نکرده‌اند.

۲- «زقوم» در تفاسیر

«زقوم» همان‌طور که از نامش پیداست کلمه‌ای است که دلالت بر ناخوشایندی می‌کند. فخر رازی درباره ماده «زق» می‌گوید: ««زق» جز در امور ناپسندیده و بی‌فایده جمع نمی‌شود که از آن جمله

تحمل الحزما^۲

موکل بشدوف الصوم یرقبها من المعزب
مخطوف الحشا رزم^۴

بیشتر مفسران قرآن اردو زبان، گیاه هندی «تهوهر» را «زقوم» احتمالی دانسته‌اند که شباهت زیادی به توصیف قرآنی دارد. «تهوهر» یا «سهند»، گیاهی از خانواده «فرفیون» است که همگی آنها طعمی تلخ و شیرهای سمی دارند (فاروقی، ۱۳۸۷ش، صص ۱۰۴-۱۰۷).

گروه دیگری از مفسران، «زقوم» را ناشناخته دانسته‌اند و صرفاً به نامطلوبی آن اشاره کرده‌اند. در تلفظ واژه «زقوم» به حنجره فشار وارد می‌شود. قدرت «قاف» که حرفی است دارای صفت جهر، به‌خصوص که در «قاف» دیگری نیز ادغام شود، به همراه توقف بر «میم» که در آن دو لب بر هم انطباق کامل می‌یابند و هوا کاملاً در دهان حبس می‌شود، بیان‌کننده گرفتگی و انسداد گلوی کسی است که از این خوراکی می‌خورد» (یاسوف، ۱۴۱۹ق، ص ۲۲۶؛ سید بن قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۳۴۶۵).

قرآن کریم ظهور اولیه میوه درخت «زقوم» را به سر شیاطین تشبیه کرده است «طلعها کانه رؤس الشیاطین» (صافات: ۶۵). برخی از مفسران این تشبیه را تشبیه تخیلی دانسته و معتقدند چون زشت‌ترین صورتی که در اذهان افراد تصورپذیر است، چهره شیطان است، قرآن کریم میوه و ثمره این درخت را بدان تشبیه کرده است؛ همان‌گونه که زیباترین صورت تصورپذیر در اذهان، چهره فرشتگان است و زنان مصری نیز حضرت یوسف(ع) را به فرشته تشبیه کردند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۱۴۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۶).

هرچند همه مفسران به نامطبوعی «زقوم» اشاره کرده‌اند، هیچ‌کدام بر چیستی آن اتفاق نظر ندارند. با توجه به اینکه این واژه در قرآن کریم یک گیاه مطرح شده، لازم است سراغ منابع گیاه‌شناسی و گیاهانی با این نام گرفته شود.

۳- گیاهان ملقب به «زقوم»

به گیاهان مختلفی همچون «أستن»، «صوم»، «افسنطین»، «تَنوم»، «نقد»، «براسیون»، «حنظل»، «تین الشوکی»، «خرمای صحرايي» و «فرفیون»، «زقوم» گفته می‌شود که در ادامه به هر یک از آنها پرداخته شده است.

۳-۱- أستن

بیشتر لغویان «أستن» را «ریشه‌های درخت پوسیده» معنا کرده‌اند و تنها اندکی از آنها به درخت بودن آن اشاره کرده‌اند (ابن درید، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۳۹۹؛ ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۳، ص ۱۳۲). ابن منظور از قول ابوحنیفه «أستن» را درختی با تکثیر و انتشار در رویشگاه خود معرفی می‌کند؛ با این ویژگی که وقتی شخصی از دور به آن می‌نگرد، اندام و هیكل انسان به نظر او می‌رسد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۰۳).

۳-۲- تنوم

در ارتفاعات جنوب شرقی عسیر در سرزمین عربستان، گیاهی با نام «زقوم» وجود دارد که به زبان محلی به آن «تَنوم» گویند (Mandaville, 2011, p.160) (تصویر شماره یک). «تَنوم» برگی شبیه به برگ «مورد» دارد (جندی،

می‌آورد و از عوارض آن بروز تشنج و ناراحتی‌هایی با منشأ عصبی است (زرگری، ۱۳۴۷ش، ج ۲، صص ۱۷۷-۱۸۲).

۳-۵- فراسیون

«فراسیون»، «مفراسیا» یا «براسیون» گیاهی است که در عربستان سعودی به آن «زقوم» می‌گویند (یونس، ۲۰۱۳، ص ۸۲۳؛ شنوانی، ۱۴۱۷، ص ۱۶۸). این گیاه علفی پوشیده از کرک پنبه‌ای و دارای برگ‌های دندان‌دار و نوک تیز و گل‌های کوچک سفید است (تصویر شماره چهار). برگ‌ها و سرشاخه‌های گلدار این گیاه تلخ است و در طب سنتی استفاده می‌شود. «فراسیون» به‌طور خودرو در اراضی متروکه، گودال‌ها و کنار جاده‌ها در مناطق مختلف اروپا، شمال آفریقا و آسیا می‌روید (میرحیدر، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۵۶).

۳-۶- فرفیون

«فرفیون» یا «اوفرپیون» که معنای آن در فارسی «خورنده» است (بیرونی، ۱۳۵۸ش، ج ۱، ص ۵۱۶)، در باغ‌ها و صحراها می‌روید و نژادهای مختلفی دارد (تصویر شماره پنج). این گیاه، سمی است؛ به‌طوری‌که خوردن سه گرم از شیرابه آن انسان را می‌کشد و اگر گاو آن را بخورد، می‌میرد؛ برای همین به آن «گاوکشک» نیز می‌گویند (خسروی، ۱۳۷۶ش، ص ۱۷۱).

در سرزمین عربستان «فرفیون»‌های کاکتوس‌مانند رشد می‌کنند و نام معمولی آنها «رجلة ابلیس» است (فاروقی، ۱۳۸۷ش، صص ۱۰۶-۱۰۴). «فرفیون» به «قاتل ابیه» نیز معروف است؛ زیرا همه اجزای

۱۴۱۲ق، ص ۳۵۸) و نه تنها انسان، حیواناتی همچون شتر و آهو نیز از آن می‌خورند. گفته شده که استفاده از ثمره آن همراه با آب و تخم شاهدانه، کرم روده را دفع کرده و ضماد برگش همراه با سرکه ازبین‌برنده زگیل است (فیروزآبادی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۰۸۳).

۳-۳- صوم

«صوم» نام درختی است که بنا به گفته برخی، برگ ندارد و شبیه به کالبد انسان است. این درخت زشت‌منظر میوه‌هایی با نام «رئوس الشیاطین» دارد که علت این نام‌گذاری شباهت میوه‌ها به سر مارهاست. این درخت بی‌برگ، شاخه‌هایی دراز و فروهشته دارد و وقتی سایه این درخت بر فردی بیافتد، عبارت «صام الرجل» به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، صص ۳۵۱-۳۵۲).

تنها گیاهی که نگارنده توانست در بین گیاهان جزیره العرب با نام «صوم» پیدا کند، گیاهی علفی با گل‌های زرد است (قشاش، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۶۱۵) که مشخصات ذکرشده فوق را دارا نیست (تصویر شماره دو).

۳-۴- افسنطین

عرب به گیاه «افسنطین»، «زقوم» می‌گویند (دیدیه، ۱۴۲۲ق، ص ۲۸۶). «افسنطین» در زمین‌های بایر سنگلاخی و دامنه کوهستان‌ها و در مناطق گرم و خشک مدیترانه‌ای می‌روید (تصویر شماره سه). قسمت‌های مورد استفاده «افسنطین»، برگ و سرشاخه‌های گلدار آن است که بوی قوی و طعمی تلخ دارد. اگرچه «افسنطین» دارای اثر درمانی است، به علت دارا بودن ترکیبات سمی، مسمومیت به وجود

۳-۹- تین الشوکی

«تین‌الشوکی» یا «برشومی» (جندل، ۱۹۷۱م، ص ۸۵) که به آن «زقوم» گفته می‌شود (Flynn- Burhoe, 2009)، میوه‌ای است که در مناطق گرم و خصوصاً صحرائی رشد می‌کند (تصویر شماره نه). قشر خارجی میوه پر از خار ولی داخل آن دانه‌های سیاه‌رنگی است که ملین است و زیاده‌روی در مصرف آن به سیستم گوارش آسیب می‌زند (ابراهیم، ۲۰۱۲م، ج ۳، ص ۱۹۳). میوه این گیاه، بیضی‌شکل و شیرین است و از برگ‌های آن برای درمان قند و کلسترول خون استفاده می‌شود (یونس، ۲۰۱۳م، ص ۵۶۳).

خود و هر آنچه در آن انداخته شود، می‌خورد و اگر به زبان برسد، مزه تیز آن مثل زمانی است که زبان آتش گرفته باشد و اگر به دست برسد، دست آبله می‌شود (خسروی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۳). قوت «فرفیون» تا ده سال باقی می‌ماند (بیرونی، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۵۱۶-۵۱۸).

برخی گیاه‌شناسان معتقدند از میان «فرفیون»ها، «فرفیون صمغی مراکشی»^۵، «زقوم» واقعی است (تصویر شماره شش)؛ زیرا علاوه بر ویژگی عمومی «فرفیون»ها که سمی و تلخ‌بودن است، ساقه‌هایش به‌صورت گریز مدور است و شباهت زیادی به سر شیطان دارد (فاروقی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۰۷).

۳-۱۰- حنظل

«حنظل» در فارسی با نام‌های «خربزه روباه» و «کدوی تلخ» شناخته شده و گیاهی علفی، چندساله، دارای ساقه خوابیده یا بالارونده و پوشیده از تار است که به «زقوم» نیز معروف است (سیدی، ۱۳۵۵ش، ص ۷۰). برگ‌های آن متناوب، دندانه‌دار، پوشیده از تار و دارای ظاهری به رنگ مایل به سفید در سطح تحتانی است (تصویر شماره ده). میوه‌اش کروی، زردرنگ و به بزرگی نارنج کوچک است. حنظل در مناطق کویری، خاک‌های قلیایی و شور به‌خوبی رشد می‌کند (یونس، ۲۰۱۳م، ص ۵۶۴).

۳-۱۱- خرما صحرایی

«هجلیح»، «تمرالعبید»، «تمرالصحراء»، «بلح العبید»، «بلح الصحراء» و «لالوب» اسامی گیاهی با نام علمی (Balانيتes Aegyptiaca) است که به آن «زقوم» نیز گفته می‌شود (Quattrocchi, 2012, v.4, p.520).

۳-۷- گل میمون

«گل میمون» گیاهی علفی و چندساله است. زمانی که قسمت گلوی گل این گیاه فشار داده شود، دهان گل باز می‌شود و وقتی گل آن خشک می‌شود، بن‌خوشه آن شبیه مجسمه میمون است که حاوی بذره‌های این گیاه است (تصویر شماره هفت). شکل بن‌خوشه‌ها سبب شد «زقوم» نامیده شود (دغیم، ۲۰۱۵م).

۳-۸- نقد

درخت «نقد» که در فارسی به آن «سنجد» گفته می‌شود، معروف به «زقوم» است (زرگری، ۱۳۴۷ش، صص ۷۶۹-۷۷۰). برخی از انواع این درخت، خاردار و برخی فاقد خار است. «نقد» دارای برگ‌های دراز و نوک‌تیز و میوه‌های بیضوی نارنجی‌رنگ شبیه به زیتون است (تصویر شماره هشت).

می‌آید، عصاره پوسته و میوه آن سم دارد و استفاده از مقادیر زیاد آن به بدن آسیب‌های فراوان وارد می‌کند (Quattrocchi, 2012, v.4, p.520).

به غیر از گیاهان ذکر شده، برخی منابع تنها به توصیف گیاه «زقوم» پرداخته‌اند و نام دیگری برای آن ذکر نکرده‌اند؛ برای مثال گروهی آن را گیاهی حجازی دانسته‌اند که در طعم و شکل شبیه به گیاه «صبار»^۷ است (ابن نفیس، ۱۳۸۷ش، ج ۱۴، ص ۴۶۶) یا گیاهی تیره رنگ با برگ‌های دایره‌ای شکل و ساقه‌ای با بن‌خوشه‌های خاردار بوده که چوب و برگش بسیار تلخ است و هنگام رد شدن از کنار آن، به انسان یا حیوان می‌چسبد (غامدی، ۲۰۰۸م) (تصویر شماره دوازده).

بیشتر گیاهان ملقب به «زقوم»، گیاهانی‌اند که مصرف غذایی برای انسان یا حیوان نداشته‌اند و جنبه دارویی و درمانی دارند. حکمت خداوند متعال اقتضا می‌کند که هیچ‌چیز هرز و بی‌فایده نباشد؛ هرچند ظاهری پر از خار و طعمی نامطبوع داشته باشد یا بوی بدی از آن به مشام برسد.

توجه به موقعیت جغرافیایی سرزمین عربستان به علت «زقومی» نامیده شدن برخی گیاهان کمک می‌کند. عربستان در شمار گرم و خشک‌ترین مناطق دنیاست. میانگین دما در بیشتر مناطق آن بین ۳۰ تا ۴۹ درجه است. گرچه دو طرف این کشور را دریا احاطه کرده، وسعت آب‌های مجاور به قدری اندک است که گرمی و خشکی اراضی وسیع و بیابانی آن را کم نمی‌کند (محمدی آشنانی، ۱۳۸۹ش، ص ۲۳). مزاج جغرافیایی هر مکانی بر ساکنان آن تأثیرگذار است (cassidy, 1997, p.2) و اعراب نیز از گرمی و خشکی محل زیست خود بی‌بهره نبوده‌اند. آیات

(Duke, 1929, p.60) ارتفاع این گیاه همیشه سبز خاردار حدود ۱۲ متر است و طول خارهای آن به ۸ سانتی‌متر می‌رسد. این خارها ابتدا نرم و سپس چوبی می‌شوند. برگ‌ها به رنگ سبز تیره و سبز خاکستری است و میوه‌های بیضی شکل آن ۲/۵ تا ۴ سانتی‌متر طول دارد و شبیه خرما هستند. میوه‌های نارس سبزرنگ‌اند و شباهت فراوان در شکل و طعم به خرمای نارس دارند. این شباهت در نام‌گذاری درخت اثر گذاشته است و آن را «بَلَح»^۶ می‌نامند (تصویر شماره یازده).

این درخت نسبت به خشکسالی مقاوم و بومی جنگل‌های آفریقا است و از آن در زمرة گیاهان دارویی آفریقایی یاد شده است (Iwu, 1993, p.154). در نواحی مرکزی و جنوبی آفریقا به این گیاه «زچون ایل» و در زبان انگلیسی نیز علاوه بر «خرمای صحرائی» و درخت خاردار به آن درخت روغنی «زچوم» گفته می‌شود (Quattrocchi, 2012, v.4, p.520). تمامی اجزای این گیاه شامل میوه، هسته، دانه، برگ، پوسته و ریشه ارزش طبی و دارویی دارند و اهمیت آن تا بدان‌جاست که تصویر این گیاه روی تمبرهای کشورهای آفریقایی همچون موریتانی و سنگال دیده می‌شود.

خرمای صحرائی در مناطق جنوبی حجاز نیز می‌روید و از آن در درمان بیماری قند خون، دفع کرم‌های دستگاه گوارش و ... استفاده شده و مسهلی قوی نیز است (شنوانی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۵). استفاده از خرمای صحرائی در طب سنتی هند و یونان دارای تاریخچه‌ای طولانی است. گرچه خاصیت ضد زهر و پادزهر بودن از جمله فواید این گیاه به حساب

قرآن کریم بیان‌کننده طبع خشک آنهاست؛ برای مثال در سوره انعام آمده است «و ما تأتیه من آیه من آیات ربهم إلا كانوا عنها معرضین» (انعام: ۴) «و هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های پروردگارشان به سویشان نمی‌آمد، مگر آنکه از آن روی بر می‌تافتند» یا در سوره لقمان می‌خوانیم «و اذا قیل لهم ائتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا علیه ءابائنا ...» (لقمان: ۲۱) «و چون به آنان گفته شود «آنچه را که خدا نازل کرده پیروی کنید»، می‌گویند «نه!» بلکه آنچه که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم ...».

خشکی ضد رطوبت، تری، سیالیت و انعطاف‌پذیری است و در مفهوم جمود، حفظ شکل، انعطاف‌ناپذیری و شکنندگی به کار می‌رود (میراب‌زاده، ۱۳۸۹ش، صص ۳۱۵-۳۲۳). تعصب، لجاجت و سرسختی عرب عصر نزول در عقاید خود بیان‌کننده طبع خشک آنهاست. حال اگر تأثیر گیاهان تلخ که در بدن گرمی و خشکی ایجاد می‌کنند (برقعی، ۱۳۸۷ش، ص ۲۱۹) بر ساکنان شبه‌جزیره عربستان که از گرمی و خشکی منطقه تأثیر گرفته‌اند، مدنظر قرار داده شود، دریافته می‌شود عرب تا چه حد می‌تواند از تلخی نفرت داشته باشد و آن را «زقوم» بنامد؛ زیرا بر عطش او در این سرزمین گرم و سوزان می‌افزاید.

۴- بررسی اقوال

«زقوم» در قرآن «طعام» گنهکاران معرفی شده و نامطلوبی آن از وصف گلوگیربودنش (مزمّل: ۱۳) کاملاً مشخص است. «طعام» در قرآن کریم، علاوه بر گوشت حیوانات (حج: ۲۸، ۳۶)، به میوه‌ها (عبس: ۲۸-۳۱)، گیاهان (بوت‌های و ساقه‌های زیرزمینی)

(بقره: ۶۱) و آب (بقره: ۲۴۹) نیز اطلاق شده و مفهوم عام آن خوردنی است. براساس کاربرد قرآنی «طعام»، تمام اجزای درخت «زقوم» جهنمی شامل ریشه، ساقه، شیره، برگ و میوه آن می‌تواند مورد استفاده و نامطلوب و ناگوار باشد؛ اما گوارا یا ناگوار بودن یک امر، در دنیا نسبی است و چه‌بسا چیزی نزد گروهی نامطلوب باشد، ولی همان چیز با تغییر عامل سن، نژاد، فرهنگ، وضعیت جغرافیایی، جنسیت و ... نزد دیگران مطلوب باشد. همان‌طور که در بحث لغوی و تفسیری ذکر شد عرب سه چیز را «زقوم» می‌داند: ۱- غذایی که از کره و خرما درست شده است؛ ۲- هر چیز کشنده؛ ۳- درختی زشت‌منظر، بدطعم و بدبو.

هرچند همگان غذایی را که سلامتیشان را به خطر می‌اندازد ناگوار و نامطلوب قلمداد می‌کنند، زیبایی، طعم و بو نزد همه افراد یکسان نیست و نمی‌توان درختی را در دنیا پیدا کرد که همه، آن را زشت‌منظر، بدبو و بدطعم قلمداد کنند. عرب گیاهان متعددی که از دید خود زشت و نامبارک می‌پنداشته، «زقوم» خوانده است. «زقوم» گاه نام درختی همچون «صوم» است که بی‌برگ است و شاخه‌های دراز و فروهشته آن به هیبت انسان بلندقامت به نظر می‌رسیده است؛ گاه نام گیاهان تلخ طعمی نظیر «حنظل»، «افسنطین» و «فراسیون» بوده است؛ گاه به گیاهان چسبنده یا تیز و خاردار اطلاق شده و گاهی نیز داشتن شیرابه‌های سمی، همچون «خرمای صحرائی» یا «فریون» سبب نامگذاری آن به «زقوم» شده است. اگرچه مشخص نیست این گیاهان از چه زمانی «زقوم» نام داشته‌اند، به نظر می‌رسد بیشتر آنها پس از نزول آیات مشتمل بر درخت «زقوم» به این

علاوه بر نام مردان صاحب قدرت و جمال مانند «شیطان بن مدلیج» یا «شیطان بن بکر بن عوف» و نام برخی قبایل مثل «بنوشیطان»، به «مار» نیز اطلاق شده و شواهد شعری نیز بیان‌کننده همین مطلب است (عسگری، ۱۳۸۹ش، ص ۲۰۴)؛ برای مثال مردی همسرش را این‌گونه سرزنش می‌کند:

عنجد تحلف حین أحلف كمثل شیطان الحماط
أعرف^۸

یا در توصیف ماده شتری آمده است:

تلاعب مثنی حضرمی كأنه تعمج شیطان بذی
خروج قفر^۹

باید توجه داشت در آیه مدنظر «طلع» به «رئوس الشیاطین» تشبیه شده، نه خود شیاطین و اگر منظور از «شیطان» «مار» دانسته شود، «رأس» و سر آن، قسمت اصلی بدن این حیوان بوده است و اگر مهم‌ترین قسمت یک گیاه با آن تطبیق داده شود، «طلع» و ثمره دانسته می‌شود که حاوی بذر گیاه است. حال اگر به سر مار که نیش و کیسه‌های زهر در آن واقع شده‌اند، توجه شود، دریافت می‌شود که تشبیه صورت گرفته به «دردناکی و زهرآگینی» ثمره گیاه اشاره می‌کند، نه اینکه گیاه از نظر ظاهری زشت و ناپسندیده باشد؛ زیرا همان‌طور که گفته شد معیارهای زیبایی نزد همگان یکسان نیست و گیاهی که برخی آن را زشت می‌پندارند، ممکن است نزد افراد دیگر زیبا به حساب آید. بر اساس این، گیاه «زقوم» دنیوی، گیاهی زشت‌منظر نبوده و تنها ویژگی‌های خاص آن همچون خارهای تیز سبب «زقوم» نامیده شدن آن شده است که همچون نیش مار پوست را سوراخ و دردناک می‌کند یا سم مهلک آن انسان یا حیوان را از پای در می‌آورد یا تأثیرات

نام ملقب شده باشند؛ زیرا تمامی آنها به نوعی نامطبوع بوده و آزار جسمی و روانی را برای عرب تداعی می‌کرده‌اند.

مروری بر ویژگی‌های درخت «زقوم»، که در سور مبارکه واقعه، صافات و دخان آمده است، کمک می‌کند مصداق صحیحی از این درخت شناسایی شود. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱- به «مهل» شباهت دارد «کالمهل» (دخان: ۴۵)

لغویان و مفسران، معانی متعددی را برای «مهل» ذکر کرده‌اند. آنچه بیشتر بر آن تأکید شده، یکی «دردی الزیت» است که در مراحل روغن‌گیری به باقی‌مانده ته ظرف گفته می‌شود و دیگری «فلز مذاب» است که هر دو در مایع‌بودن اشتراک دارند. برخی از مفسران وجه‌شباهت «مهل» و «زقوم» را غلظت، کثرت رنگ، از حالی به حال دیگر شدن، فساد و بدبویی دانسته‌اند (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۷، ص ۱۶۷؛ قنوجی، ۱۳۹۸ق، ج ۱، ص ۷۷).

۲- دارای «طلع» است «طلعها» (صافات: ۶۵)

«طلع» به معنای شکوفه خرما و نخستین چیزی است که از آن بیرون می‌آید (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۴۱۳۳) و چون عرب واژه «طلع» را برای خرما به کار می‌برد، برخی از مفسران معتقدند «طلع» برای «زقوم» به عاریت گرفته شده است (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۱۰۶؛ قنوجی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۳۹۳).

۳- «طلع» و ثمره آن به سر شیاطین شباهت دارد

«طلعها كأنه رئوس الشیاطین» (صافات: ۶۵)

طبق بیان قرآن، «زقوم» میوه‌هایی همچون سر شیاطین دارد. با بررسی کاربرد کلمه «شیطان» در میان اعراب عصر نزول خواهیم فهمید «شیطان»

منفی بر جسم و روان او می‌گذارد. جالب این است که بیشتر گیاهانی که عرب آنها را «زقوم» می‌نامند، طعمی تلخ دارند. طعم تلخ که برخی در مثال آن را همچون «زهر مار» می‌دانند (دهخدا، ۱۳۸۸ش، ص ۱۴۶)، برای بسیاری از افراد، طعمی ناخوشایند دارد و برخی معتقدند تمایل نداشتن بیشتر انسان‌ها به تلخی، ناشی از جلوگیری ذاتی از مسموم شدن است؛ زیرا بسیاری از سموم تلخ مزه‌اند (stuckey, 2012, p.200).

۴- مقادیر زیادی از آن خورده می‌شود «فمالتون

منها البطون» (واقعه: ۵۳)

۵- در شکم ایجاد غلیان می‌کند «یغلی فی البطون»

(دخان: ۴۵)

«غلی» به معنای رسیدن به بیشترین درجه حرارت و مرحله جوش است (عمر، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۱۶۳۹) و عبارت «یغلی فی البطون» نشان‌دهنده حرارت زیاد محتویات شکم است. این حرارت شدید با عبارت «کغلی الحمیم» (دخان: ۴۶) «همانند جوشش آب جوشان» نیز تأکید می‌شود.

۶- ایجاد تشنگی می‌کند «فشاربون شرب الهیم»

(واقعه: ۵۵) «مانند [نوشیدن اشتران تشنه»

«هیم» جمع «أهیم» و مؤنث «هیماء» است و به شتری گفته می‌شود که از آب سیر نمی‌شود (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۷، ص ۱۷۴). حرارت درون خورندگان «زقوم» طبق آنچه قبلاً ذکر شد چنان بالا می‌رود که نیازمند فرونشاندن آن با آبی خنک‌اند؛ اما تنها آب دردسترس و موجود، آبی جوشان و سوزاننده است.

از میان گیاهان ملقب به «زقوم»، گیاهی که بیشترین انطباق را با «زقوم» قرآن دارد، «خرمای صحرايي» است. دلایلی استنادپذیر در این زمینه

عبارت‌اند از:

الف) کاربرد واژه «طلع» درباره این گیاه. طبق آنچه گفته شد «طلع» را عرب برای خرما به کار می‌برد و این گیاه نیز نوعی خرماست؛ هرچند به قول برخی از مفسران، نه درختش شبیه «نخل» است و نه «طلع» آن شبیه خرما (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۶۰۹).
ب) شباهت این گیاه با آنچه برخی از اهل لغت به آن اشاره کرده‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۴، ص ۳۳۲).

ج) با آنچه درباره عکس‌العمل قریش در هنگام نزول آیات مشتمل بر گیاه «زقوم» ذکر شده است، تناسب دارد. لغویان و مفسران آورده‌اند که قریش پس از نزول آیات «زقوم»، از وجود چنین گیاهی اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند و تنها مردی اهل آفریقا لب به سخن می‌گشاید و می‌گوید در لغت ما به غذایی مشتمل بر کره و خرما، «زقوم» می‌گویند (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۹۴؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۱۰۶).

اگر مشخصات گیاهی «خرمای صحرايي» مدنظر قرار داده شود، دانسته می‌شود این گیاه بومی آفریقا است و با نام «زچون» (Zachun) از آن یاد می‌شود که شباهت زیادی با تلفظ «زقوم» دارد. همچنین در کتبی همچون «کتاب النبات» که متعلق به ابوحنیفه دینوری از گیاه‌شناسان قرن سوم و از منابع دست اول در گیاه‌شناسی جزیره العرب است، گیاهی با نام «زقوم» وجود ندارد. پس در عصر نزول نام «زقوم» برای بیشتر اعراب ناشناخته بوده است و شاید تنها گروهی از طبیبان که از خواص دارویی آن مطلع بوده‌اند، آن را می‌شناخته و با نامی دیگر آن را می‌خوانده‌اند. بوعلی سینا نیز در کتاب «القانون فی

تا افراد کاملاً آن را درک کنند. بر اساس این، گیاه «زقوم» در عصر نزول وجود داشته است؛ ولی انتشار و فراوانی گسترده‌ای در شبه‌جزیره عرب نداشته است تا همه افراد با این گیاه و خواص آن آشنایی داشته باشند و احتمال دارد تنها برخی طبیبان از خواص دارویی آن مطلع بوده‌اند و با نام دیگری غیر از «زقوم» آن را می‌خوانده‌اند.

اطلاق «شیطان» بر «مار» نزد اعراب عصر نزول از طرفی و تشبیه ثمره گیاه «زقوم» به «سر شیاطین» در قرآن کریم از طرف دیگر، به مهلک بودن و زهرآگینی این گیاه اشاره می‌کند و به نظر نمی‌رسد زشتی منظر این گیاه منظور باشد؛ زیرا معیارهای زیبایی نزد همه یکسان نیست و نمی‌توان گیاهی را در دنیا یافت که همگان بر نازیبایی آن گواهی دهند. از میان گیاهان ملقب به «زقوم»، گیاه «خرمای صحرائی» به چند دلیل «زقوم» واقعی است: ۱- نخستین ظهور ثمره آن «طلع» نامیده می‌شود و عرب «طلع» را برای خرما به کار می‌برد و این گیاه نوعی خرما محسوب می‌شود؛ ۲- گیاه «خرمای صحرائی» بومی آفریقا است و با توضیحات لغویان و مفسران درباره آشنایی داشتن مردی آفریقایی زبان با نام «زقوم» و غذایی که از خرما و کره درست می‌شود، متناسب است. همچنین این گیاه در نواحی مختلف آفریقا «زچون» خوانده می‌شود که شبیه تلفظ «زقوم» است؛ ۳- سمی بودن میوه این گیاه، شیر و عصاره گرفته‌شده از میوه آن و ایجاد حرارت و تشنگی پس از مصرف آن، با واژه‌ها و عبارات‌های «رئوس الشیاطین»، «مهل»، «یغلی فی البطون» و «فشاربون شرب الهیم» مطابقت می‌کند. روایاتی نیز که «زقوم» در آنها به صورت مایع (قطرة) و تلخ (مر) توصیف

الطب» گیاهی را با این ویژگی ذکر کرده است که ظاهر میوه‌اش در طعم و شکل شبیه خرما نارس است و خواص دارویی دارد؛ اما نام «زقوم» برای آن بیان نشده است (ابن سینا، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۲۸).

د) شیر و عصاره‌ای که از میوه این درخت گرفته می‌شود، با آنچه از میوه و هسته زیتون گرفته می‌شود و ته‌مانده آن شباهت دارد که «دردی الزیت» یا همان «مهل» است. همچنین عصاره میوه آن همان‌طور که در قسمت گیاه‌شناسی بدان اشاره شد سمی است و می‌توان میوه این گیاه را به سر مار تشبیه کرد؛ زیرا حاوی زهر است. این زهر مایع مطابق با روایاتی است که «زقوم» را مایعی تلخ معرفی می‌کنند (شیبانی، ۱۶۱۶ق، ج ۳، ص ۲۲۰؛ مبارکفوری، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۶۰). این زهر گرچه به مقدار کم در بدن عملکرد پادزهری دارد، مقادیر زیاد آن «فمالتون منها البطون» آسیب جدی به دنبال خواهد داشت. زهر در درون بدن ایجاد حرارت می‌کند «کالمهل یغلی فی البطون کغلی الحمیم» و کسی که زهر می‌خورد، احساس تشنگی شدید می‌کند «فشاربون شرب الهیم».

نتیجه‌گیری

طبق بیان قرآن کریم، «زقوم» گیاهی است که ایجاد حرارت و عطش می‌کند و ثمره آن به «سر شیاطین» تشبیه شده است. این گیاه خوراک گناهکاران بوده و به دلیل نامطبوعی، گلوگیر است و به جای لذت‌بخشی، درد و رنج را به همراه دارد. هرچند این گیاه، گیاهی جهنمی در قرآن کریم مطرح شده است، خداوند در بشارت و انذار، نمونه‌هایی دردسترس و ملموس از عالم طبیعت را مثال می‌آورد

شده و استفاده از آن سبب فساد معرفی شده، نشان‌دهنده همین مطلب است؛ البته باید توجه داشت گیاهان اخروی و دنیوی از لحاظ کیفیت بسیار متفاوت‌اند، هرچند در نام باهم مشابهت‌اند.



تصویر شماره چهار: «فراسیون»

تصاویر گیاهان ملقب به «زقوم»



تصویر شماره یک: «تنوم»



تصویر شماره پنج: «فرفیون» «گاو کشک»



تصویر شماره دو: «صوم»



تصویر شماره شش: «فرفیون صمغی مراکشی»



تصویر شماره سه: «افسنطين»



تصویر شماره هفت: «گل میمون»



تصویر شماره دوازده



تصویر شماره هشت: «نقد»

پی نوشت

^۱ «إحياء التذكرة فى النباتات الطبية والمفردات

العطارية» اثر رمزى مفتاح.

^۲ نام فارسی آن «هليلة» بوده و آن درختی است

که میوه ای بیضوی، تلخ و کوچک‌تر از سنجد دارد

(گرامی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۲۳).

^۳ گاو از درخت «أستن» می‌رمد. درختی که تنه‌ای

سیاه‌رنگ داشته است [و شاخه‌هایی خشک بر بالای

آن است] مانند کنیزانی که روی سر خود هیزم حمل

می‌کنند (دینوری، ۱۴۲۳ق، ص ۱۰۱).

^۴ موکل بود بر کالبد درخت صوم (که شکل

انسانست) و آن را مواظبت می‌کرد از گلّه بز و

گوسفند که از آن نخورند و مسموم نشوند.

^۵ "Euphorbia abyssinica"

^۶ نام‌های خرما از نخستین ظهور تا آخرین

مرحله رسیدن به ترتیب «طلع»، «خلال»، «بلح»، «بسر»،

«رطب» و «تمر» است (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۱،

ص ۳۵۶).

^۷ گیاهی صحرایی و خاردار است که انواع

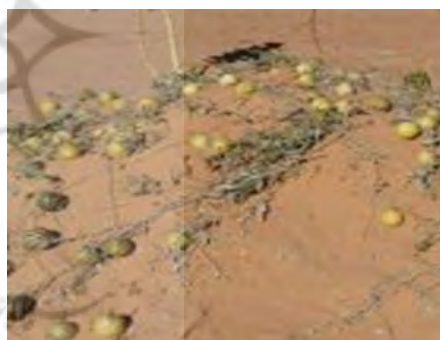
مختلفی دارد و برخی از آنها میوه‌هایی دارند که

می‌توان خورد (جرار، ۲۰۱۰م، ص ۱۶۴).

^۸ این بیت با «عجیز» نیز آمده و به این معناست



تصویر شماره نه: «تین الشوکی»



تصویر شماره ده: «حنظل»



تصویر شماره یازده: «خرمای صحرایی»

ابوحیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، *البحر المحيط فی التفسیر*، بیروت: دارالفکر.

آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

برقعی، حسین (۱۳۸۷ش)، *ادویه قلبیه بوعلی سینا*، تهران: نی.

بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت: إحياء التراث.

بیرونی، ابوریحان (۱۳۵۸ش)، *صیغنه*، ترجمه ابوبکر کاسانی، تهران: شرکت افست.

جرار، دلال یوسف (۲۰۱۰م)، *لتکونی أجمل*، بی‌جا، عالم الثقافة.

جندل، جاسم محمد (۱۹۷۱م)، *أمراض العصر*، بیروت - لبنان: دارالکتب العلمیه.

جندی، علی (۱۴۱۲ق)، *فسی التاریخ الأدب الجاهلی*، بی‌جا، دارالتراث الأول.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق)، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت: دار العلم للملایین.

حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ق)، *شمس العلوم ودواء کلام العرب من الکلام*، تحقیق حسین عمری، بیروت ° لبنان: دارالفکر المعاصر.

خسروی، مهدی (۱۳۷۶ش)، *گیاهان دارویی*، تهران: محمد.

درویش، محی‌الدین (۱۴۱۵ق)، *اعراب القرآن و بیانه*، سوریه: دار الارشاد.

دغیم، بتول (۲۰۱۵م)، «*أین توجد شجرة الزقوم*»، <http://mawdoo3.com>، ۹۷/۰۱/۰۵.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۸ش)، *گزیده امثال و حکم*، به کوشش محمد دبیر سیاقی، بی‌جا، شرکت

«زن سلیطه‌ای که سوگند می‌خورد هنگامی که من سوگند می‌خورم؛ مثل ماری که در درخت «حماط» منزل کرده و شناخته شده است» (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱، ص ۵۴)

۹ «*عنانها بر پشت شتر حضموتی همچون پیچ‌وتاب خوردن مار در بیابانی که گیاه «بیدانجیر» در آن روئیده باشد، به هم می‌پیچند»* (عسگری، ۱۳۸۹ش، ص ۲۰۴).

کتابنامه

قرآن کریم ترجمه محمد مهدی فولادوند
ابراهیم، احمد شوقی (۲۰۱۲م)، *موسوعة عالم الإنسان فی ضوء القرآن و السنة*، مصر: دارالنهضة.

ابن اثیر، مجدالدین (۱۳۹۹ق)، *النهاية فی غریب الحديث و الأثر*، بیروت: المكتبة العلمیه.

ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۷م)، *جمهرة اللغة*، تحقیق رمزی منیر بعلبکی، بیروت: دار العلم للملایین.

ابن سینا، بوعلی (بی‌تا)، *القانون فی الطب*، تحقیق محمد امین الضناوی، بی‌جا، بی‌نا.

ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۹۸۴ق)، *التحریر و التنویر*، تونس: الدار التونسیة.

ابن فارس، احمد (۱۳۹۹ق)، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بی‌جا، دارالفکر.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دارصادر، چاپ سوم.

ابن نفیس، علی بن ابی حزم (۱۳۸۷ش)، *الشامل فی الصناعة الطبیة*، تحقیق یوسف زیدان، تهران: مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل.

- دارالحديث. كتاب.
- صاحب بن عباد، اسماعيل بن عباس (بی تا)،
المحيط فی اللغة، بی جا، بی نا.
- طباطبای، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان
فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه
قم.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۰ق)، جامع البیان
فی تأویل القرآن، تحقیق احمد محمد شاکر، بی جا،
موسسه الرسالة.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین،
تهران: مرتضوی.
- عسگری، انسیه (۱۳۸۹ش)، «معناشناسی نوین از
واژه شیطان»، پژوهش‌های قرآنی، ۱۶ (۶۴)، ص ۲۰۴.
- عمر، احمد مختار (۱۴۲۹ق)، معجم اللغة العربیة
المعاصرة، بی جا، عالم الكتب.
- غامدی، ابراهیم (۲۰۰۸م)، «نباتات
الزقوم»، <http://www.thomala.com>، ۹۶/۱۲/۰۶.
- فاروقی، محمد اقتدار حسین (۱۳۸۷ش)، گیاهان
در قرآن، ترجمه احمد نمایی، مشهد: پژوهش‌های
اسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العین،
قم: هجرت، چاپ دوم.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۶ق)،
القاموس المحيط، تحقیق التراث فی مؤسسة الرسالة،
بیروت ° لبنان: مؤسسة الرسالة.
- قاسمی، محمد (۱۴۱۸ق)، محاسن التأویل، تحقیق
محمد باسل عیون السود، بیروت: دار الكتب العلمية.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، تهران:
- دیدیه، چارلز (۱۴۲۲ق)، رحلة إلی الحجاز،
ریاض: دارالفیصل الثقافية.
- دینوری، عبدالله بن مسلم (۱۴۲۳ق)، الشعر و
الشعراء، بیروت- لبنان: دار الارقم بن ابی الارقم.
- رازی، فخرالدین (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت:
دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم.
- زرگری، علی (۱۳۴۷ش)، گیاهان دارویی، بی جا،
امیرکبیر.
- زمخشری، محمود بن عمرو (بی تا)، الفائق فی
غریب الحدیث والأثر، تحقیق علی محمد البجاوی،
لبنان: دار المعرفة.
- _____ (۱۴۰۷ق)، الکشاف
عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتاب العربی.
- سلطان، محمد میرزا (۱۳۶۴ش)، سفرنامه سیف
الدول، تهران: نی.
- سید بن قطب، ابراهیم (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن،
بیروت - قاهرة: دارالشروق.
- سیدی، علی رئیس (۱۳۵۵ش)، مرآة الممالک،
ترجمه محمود تفضلی، تهران: فرهنگ ایران.
- شربینی، محمد بن احمد (۱۲۸۵ق)، السراج المنیر
فی الاعانة علی معرفة بعض معانی کلام ربنا الحکیم
الخبیر، قاهرة: بولاق.
- شنوانی، محمد (۱۴۱۷ق)، النباتات المستخدمة فی
الطب الشعبي السعودي، ریاض: مدينة الملك عبدالعزيز
للعلوم و التقنية.
- شیبانی، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق)، مسند الإمام
أحمد بن حنبل، تحقیق احمد محمد شاکر، قاهرة:

- دارالکتب الإسلامية.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- قشاش، محمد (۱۴۲۷ق)، *النبات فی جبال السراة والحجاز*، مدینه: سروات.
- قنوجی، محمد (۱۴۱۲ق)، *فتح البیان فی مقاصد القرآن*، بیروت: المكتبة العصرية.
- _____ (۱۳۹۸ق)، *یقطه اولی الاعتبار مما ورد فی ذکر النار وأصحاب النار*، قاهره: مكتبة عاطف - دار الأنصار.
- گرامی، بهرام (۱۳۸۶ش)، *گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی*، تهران: سخن.
- ماتریدی، ابومنصور (۱۴۲۶ق)، *تفسیر الماتریدی*، تحقیق مجدی باسلوم، بیروت - لبنان: دارالکتب العلمية.
- مبارکفوری، محمد (بی تا)، *تحفه الأحوذی بشرح جامع الترمذی*، بیروت: دارالکتب العلمية.
- محمدی آشنانی، علی (۱۳۸۹ش)، *درسنامه شناخت عربستان*، تهران: مشعر.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: ترجمه و نشر کتاب.
- میرابزاده اردکانی، مهراڻ (۱۳۸۹ش)، «امور طبیعیه و ارکان در مکتب طب ایرانی»، *فصلنامه طب سنتی اسلام و ایران*، ۱(۴)، صص ۳۱۵-۳۲۳.
- میرحیدر، حسین (۱۳۷۵ش)، *معارف گیاهی: کاربرد گیاهان در پیشگیری و درمان بیماری‌ها*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- نعمانی، سراج‌الدین (۱۴۱۹ق)، *اللباب فی علوم الکتاب*، تحقیق عادل أحمد عبد الموجود، بیروت - لبنان: دارالکتب العلمية.
- یاسوف، احمد (۱۴۱۹ق)، *جمالیات المفردة القرآنیة*، دمشق: دارالمکتبی.
- یونس، ایاد عبدالقادر (۲۰۱۳م)، *موسوعة الطب البديل*، موصل: دارالکتب و الوثائق الوطنية.
- Cassidy, Tony (1997). *Environmental Psychology*. New York: Psychology Press.
- Dilmen, Nevit (2013). "*Nerium Oleander Zakkum*". <http://commons.wikimedia.org>.
- Duke, James A. (1929). *Duke's Handbook of Medical Plants of the Bible*. London-New York: CRC Press.
- Flynn-Burhoe, Maureen (2009). "*Mapping Metaphors: A Thorny Path*". <https://oceanflynn.wordpress.com/tag/tree-of-zaqqum>.
- Iwu, Maurice M. (1993). *Handbook of African Medicinal Plants*. CRC Press. - 65
- Mandaville, James p. (2011). *Bedouin Ethnobotany: Plant Concepts and Uses in a Desert Pastoral World*. University of Arizona Press.
- Musselman, Lytton John (2003). "*Trees in the Koran and the Bible*". Unasylya English ed 54(213).
- Quattrocchi, Umberto (2012). *CRC World Dictionary of Medicinal and Poisonous Plants*. Boca Raton: CRC Press.
- Stuckey, Barb (2012). *Taste: Surprising Stories and Science About Why Food Tastes Good*. New York: Simon and Schuster.